

رادیو فردا در هفته ای که گذشت! (شماره ۱۰۴)

۲۳/۰۳/۱۳۹۵ الی ۱۶/۰۳/۱۳۹۵

سومین هفته از سومین ماه سال ۱۳۹۵ نیز سپری شده و رویدادهای خاص این هفته نیز با واکنش های خاص ابزارهای رسانه ای مختلف دولت های غربی همراه بوده است؛ ابزارهایی مانند رسانه ی صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا تلاش کرده است تا در این هفته نیز همانند گذشته، حتی به قیمت قربانی شدن حقیقت نیز، از اندک فرصت های پیش آمده در موضوعات مختلف برای پیگیری اهداف خود استفاده نمایند که در این راستا، رادیو دیرو با تنظیم و انتشار مجله ای هفتگی تحت عنوان " رادیو فردا در هفته ای که گذشت!"، بخشی از مهمترین فعالیت های این رسانه نما را، به طور خلاصه، مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد ...

رادیو دیروز گزارش می دهد؛

بهره برداری های جهت دار ابزارهای رسانه ای وابسته به دولت های غربی از وقایع و اخبار مختلف، امری کاملاً معمول و قابل پیش بینی است که ما هر روزه در فعالیت های آن ها شاهدش بوده و هستیم؛ در همین راستا، سومین هفته از خرداد ماه ۱۳۹۵ نیز در شرایطی سپری شده است که این گونه ابزارها، از جمله رادیو فردا که زیر نظر دولت آمریکا به فعالیت مشغول است، از موضوعات مختلف برای پیگیری اهداف خود استفاده کرده و در این مسیر بارها و بارها حقیقت را قربانی کرده اند.

در پی این گونه فعالیت ها، مجموعه ی رادیو دیروز تلاش کرده است تا با تنظیم و انتشار مجله ای هفتگی تحت عنوان " رادیو فردا در هفته ای که گذشت!"، به طور خلاصه، بخشی از مهمترین برنامه ها و گزارش های این رسانه ی صهیونیستی - آمریکایی را در بازه های زمانی هفت روزه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، صد و چهارمین شماره از این مجله ی هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت های رادیو فردا در طول سومین هفته از خرداد ماه سال ۱۳۹۵ (۱۶ الی ۲۳ خرداد ماه ۱۳۹۵) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می توانید در صد و چهارمین شماره ی مجله ی هفتگی رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی مختلف از قبیل تبلیغات رادیو فردا برای " طلاق " در ایران به عنوان سلاحی بر ضد نظام جمهوری اسلامی، عقده گشایی های این رسانه نما از " حبیب " پس از مرگ وی، تلاش های این رسانه ی دولتی آمریکایی برای ادامه یحیاط جریان فتنه در ذهن مخاطبینش، واکنش این رسانه ی صهیونیستی - آمریکایی به نقش سازمان همکاری اسلامی در جنایات آل سعود، حاشیه سازی دروغین رادیو فردا برای درگیری دو میهمان در برنامه خندوانه، گزارش همراه با بزرگنمایی این رسانه نما برای مرگ چند اسرائیلی و ... را مورد مشاهده نمایید.

طلاق، سلاحی بر ضد نظام جمهوری اسلامی

" طلاق " به عنوان یکی از معطلات و آسیب های اجتماعی در کشورمان، به موضوعی تبدیل شده است که به اذعان بسیاری از کارشناسان حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و ... نیاز به توجهی ریشه ای و جدی دارد؛ این کارشناسان هر کدام به نوعی در حوزه ی تخصصی خود تأیید کرده اند که " طلاق " تنها یک موضوع عادی میان دو شخص نیست، بلکه با پیامدهای پر تعداد و بعضاً عمیقی که دارد، جامعه را تحت تأثیر آثار منفی خود قرار داده و به عبارتی دیگر به عنوان مادر بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر شناخته می شود.

در همین راستا، بخش نخست از شماره ی یکصد و چهارم مجله ی هفتگی رادیو دیروز را با واکنش و گزارش خاص رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا به این موضوع اختصاص داده ایم؛ جایی که این رسانه نما تلاش کرده است تا در گزارش خود، از این معطل اجتماعی به عنوان سلاخی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی استفاده کرده و " طلاق " را به این شکل برای مخاطبین خود معرفی نماید.

رادیو فردا با استفاده از تیتر « طلاق؛ آغاز ایستادگی در برابر سلطه سیاسی » در گزارش خود اینگونه نوشته است: « هر نوع دست خوردن یا دگرگون شدن خانواده به عنوان نهاد اصلی در جامعه سنتی و جامعه مذهبی می تواند به معنای تغییرات و تحولات ذهنیتی و فرهنگی مهم دیگری در جامعه باشد. از جمله رابطه زن و مرد، حقوق و جایگاه زن و اینکه نقش زن به عنوان مادر و همسر- نقش های اصلی در دیدگاه سنتی – به دلیل این دست از اتفاقات در جامعه؛ دستخوش تحول می شود. ولی اگر به تمام سه دهه گذشته یعنی دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد نگاه کنیم می بینیم که با وجود تغییر سیاست ها، شتاب رشد طلاق هیچ تغییری نکرده است. این امر نشان می دهد که این مساله نه تنها آسیب اجتماعی نیست بلکه بخشی از تحولات عمیقی است که در جامعه ایران و در جایگاه زن و مرد و جایگاه ازدواج و خانواده دارد اتفاق می افتد ... روز دوشنبه عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور جمهوری اسلامی در صحن علنی مجلس گفت که علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در جلسه ای با حضور وی گفته است که جمهوری اسلامی در زمینه کاهش آسیب های اجتماعی و رفع آنها بیست سال عقب است. چرا جمهوری اسلامی این چنین نسبت به افزایش آمار طلاق به عنوان بخشی از آسیب های اجتماعی واکنش نشان می دهد؟ ... آزاده کیان در پاسخ به این سوال می گوید: " اینجاست که مساله سلطه مطرح می شود و اینکه وقتی زنان به سادگی تن به سلطه مردان ندهند، بالطبع به لحاظ اجتماعی هم افراد می توانند کمتر تن به سلطه سیاسی هم بدهند. این تغییرات اجتماعی مهم که یکی از نمادهای این تغییرات اجتماعی هم بالا رفتن میزان طلاق است می تواند حتی تبعات سیاسی هم داشته باشد. " ... »!

اما این در حالیست که بر اسا نتایج تحقیقات مختلف، نظرات کارشناسان اجتماعی و خانواده، مشاهدات عینی و ...، طلاق نه تنها خود یک معضل اجتماعی و نوعی آسیب به حساب می آید بلکه تبعات بالا و با اهمیتی را به دنبال دارد که باعث می شود حتی از آن بتوان به عنوان مادر بسیاری دیگر از آسیب های اجتماعی نیز یاد کرد.

کارشناسان مختلف طلاق را به طور مستقیم و غیر مستقیم در بیش از ۷۰ درصد آسیب های اجتماعی دخیل دانسته اند.

احتمال افتادن کودکانی که قربانی طلاق والدین خود می شوند به گرداب انحرافات جنسی، تکدی گری، فرار از خانه، ولگردی، اعتیاد، سرقت و ... به مراتب بیشتر از سایرین خواهد بود.

نهاد خانواده نقشی کلیدی در توسعه، پیشرفت، آبادانی، استقلال و بسیاری دیگر از مؤلفه های والای یک اجتماع دارد و طبیعتاً " طلاق " نه تنها با فروپاشی این نهاد با اهمیت مسیر جامعه را در این خصوص با مانع همراه می کند، بلکه با فراهم کردن زمینه هایی برای سایر آسیب ها و پیامدهای ناشی از طلاق که افزایش فساد اخلاقی، افزایش اعتیاد، افزایش سرقت و خشونت، افزایش ابتلا به بیماری های روانی و افسردگی و ... خواهد بود نیز بیش از پیش پایه های اجتماع را سست خواهد کرد.

و این همان دلیلی است که رادیو فردا و هم مسیرانش را مجاب می کند تا به هر روشی از " طلاق " دفاع کرده و تلاش کنند که چهره ای موجه را از این موضوع در جامعه ی ایرانی به تصویر کشند.

حضرت محمد(ص)، پیامبر اسلام، در سخنی فرمودند: « هیچ چیز در پیشگاه خدا محبوب تر از خانه ای که به ازدواج، آباد شده باشد نیست و هیچ چیز، در پیشگاه خدا منفورتر از خانه ای که در اسلام، به جدایی (طلاق) ویران شود، نیست. »

عقدہ گشایی رادیو فردا در خصوص بازگشت " حبیب " به ایران

درگذشت " حبیب محبیبان "، خواننده ای که سال ها در آمریکا زندگی کرده و با این وجود چند سال گذشته به ایران بازگشته بود، یکی از اتفاقات و رویدادهای خبر ساز در این هفته به حساب می آید؛ خواننده ای که در این هفته نه تنها خبر مرگ وی، بلکه داستان بازگشتش به ایران و اظهاراتش پس از بازگشت به کشورمان نیز در اخبار مختلف به چشم می خورد.

خبر درگذشت وی در یکی از روستاهای شهر رامسر، بهانه ای شد تا رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا از فرصت به دست آمده بهره برده و عقدہ های خود و اربابانش در خصوص بازگشت " حبیب " به ایران و سخنان قابل تأملش در این خصوص را به معرض بیان برساند.

این رسانه نما با بهره از عنوان « حبیب و " بازگشتی که هیچ کمکی به او نکرد " » برای این گزارش، آورده است: « قلب حبیب، " مرد تنهای شب " در شصت و سومین بهار زندگی اش در ایران از تیش باز ایستاد ... حبیب وقتی به ایران بازگشت در تکاپو بود تا بخواند آن هم در ورزشگاه صد هزار نفری آزادی، اما این تلاش ها بهجایی نرسید و تنها در چند مراسم سوگواری دیده شد و بس. اوج حضور حبیب در جشن سالانه تارنمای تخصصی موسیقی ما بود. آنجا که گفت " پس از ۶ سال در سکوت بودن " می تواند صحبت کند ... حبیب دهه ۶۰ مانند بسیار دیگر از هنرمندان ایرانی به لس آنجلس کوچ کرد ... خواننده " شهلای من کجایی " هیچ گاه از زندگی در خارج از ایران رضایت خاطر نداشت. در سال های پایانی این حضور او برای معرفی فرزندش محمد در جرگه خوانندگان پاپ سبک و سیاق کار خود راکمی تغییر داد ... سال ۱۳۸۸ خورشیدی و پس از انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری حبیب در میانه هیاهوی بسیار بی خبر بار سفر بست و به ایران رفت. حتی دوستان او هم خبر نداشتند ... حاصل حضور در ایران اجرای چند ترانه جدید، تولید چند نماهنگ و بازخوانی یکی- دو ترانه قدیمی بود. در این میان حرف و حدیث بسیاری هم از تلاش های او برای نزدیکی به برخی از شخصیت های سیاسی نزدیک به دولت محمود احمدی نژاد درگرفت. صحبت های فرزند آیت الله خزعلی که در موسیقی دستی دارد و با عنوان سمیر زند فعالیت می کند، نقطه اوج این ماجرا بود ... در حالی که حبیب، سمیر زند را به کلاه برداری متهم کرده بود او نیز در برابر این خواننده قدیمی را به سو استفاده متهم کرد ... بازگشت حبیب به ایران حاصلی برای این خواننده در بر نداشت ... فرقی به حال او نکرد، بعضی ها مانند فریدون آسرابی در خارج از ایران موفق نبودند و در اینجا موفق و شناخته شدند. اما حبیب اینجا اسم خودش را داشت. چون قبل از انقلاب معروف شده بود. رفتنش هم به این دلیل بود که خوانندگانی که در کاپاره خوانده بودند اینجا نمی توانستند ادامه دهند. اما وقتی برگشت، این برگشتن هیچ کمکی در بهتر شدنش نکرد ... حبیب برگشت تا بماند مانند برخی از خوانندگان معروف که در سال های پس از انقلاب اسلامی از فعالیت بازماندند ولی ماندن را به رفتن ترجیح دادند و هرگز نتوانستند مانند گذشته به فعالیت خود ادامه دهند ... گوگوش خواننده ای که خود تا پیش از خروج از ایران به این وضعیت دچار بود در گفت و گویی نوروزی که با او داشتم از آن ها چنین یاد می کند: " من نمی دانم چه حساسیتی هست نسبت به کسانی که قبل از انقلاب مطرح بودند، معروف بودند و مردم دوستشان داشتند. به طور کلی توی سیستم امروز ایران نمی دانم چرا دوست ندارند کسی از یک حدی قدش بلندتر شود. اگر بشود سرش را هرس می کنند. همه را یک قد می کنند. نمی گذارند حداقل آن کسانی که مورد توجه و علاقه مردم هستند بیشتر دیده شوند. نمی دانم چرا این دیده شدن مسئله و مشکل است ... »!

اما همانطور که اشاره شد، آن چه در این بین بی توجه باقی مانده است، بازگشت " حبیب محبیبان " پس از سال ها به کشورمان و اظهارات خاص وی در خصوص حضورش در خارج از کشور و دلایل بازگشتش به ایران است که رادیو فردا همانند بسیاری دیگر از رسانه های هم مسیرش ترجیح می دهد از آن با سکوت عبور کند.

این خواننده ی فارسی زبان در یکی از اولین مصاحبه های خود پس از بازگشت به کشورمان با روزنامه "راه مردم"، این گونه در خصوص زندگی در آمریکا و بازگشت به ایران، بیان می کند: « اوایل انقلاب احساس این بود که فضای مناسبی برای اجرای موسیقی میسر نیست من هم با شدت علاقه ای که به کار آهنگ سازی و خواندن داشتم تصمیم به رفتن گرفتم اما باید به جرات بگویم که متأسفانه آن مدینه فاضله خیالی ۱۵ سال مرا از علائقم یعنی موسیقی دور و خانه نشین کرد. جالب اینکه بدانید در این مدت از دو جنبه زجر می کشیدم یکی فاصله از مملکت خود و دیگری از موسیقی. حدود پانزده سال در منزل درگیر فعالیت های اقتصادی بودم و برای خودم آهنگ می ساختم اما پس از آن با دیدن مشکلات موسیقی های موجود تصمیم گرفتم مجدداً کارهای خود را ارائه دهم ... من برای رسیدن به اهدافم ضررهای زیادی متحمل شده ام اما اینبار بالاخره با هر دشواری که بود توانستم تمام زندگی خود را در آنجا رها کرده و به سمت اصالت واقعی خود یعنی کشورم بازگردم، ضمناً متوجه شدم که حاکمیت

نظام با هنر و موسیقی مخالف نیست بلکه با ابتذال و دور شدن از فرهنگ مردم مخالف است. ایران و زندگی در آن با تمام خاطرات و فرهنگ و عقاید دینی و مذهبی در واقع شروع دوباره زیستن پس از سه دهه دوری و غربت است که برای من لذت و شیرینی وصف ناپذیر عجیبی به همراه دارد ... باور کنید ایران به يك قدرت بلا منازع تبدیل شده است. این باعث فخر ایرانیان است ... هر چند وقت یکبار متوجه می شدم که فلان خواننده بعد از کسب شهرت در ایران از کشور خارج شده و به کشورهای دیگر و شبکه های ماهواره ای پناه می برند. من برگشتم تا به آنهایی که سودای رفتن دارند ثابت کنم که آنجا خبری نیست هیچ کجای دنیا کشور خود آدم نمی شود ... در موسیقی و محتوای اشعار سلامت نفس و احترام به ارزش های انسانی و فرهنگی کشور قبل از هر چیز مهم است ... »

این نوع اظهارات " حبیب " یقیناً با آن چیزی که غرب و امثال رادیو فردا انتظار داشته اند بسیار متفاوت است و آن ها را از اهدافشان دور می کند و اکنون مرگ وی باعث می شود که این گونه لب باز کنند و از ناراحتی عمیق خود در خصوص بازگشت او به کشورمان سخن بگویند و وی را برای این تصمیم ملامت کنند.

رویای رادیو فردا برای ادامه ی حیات فتنه

همانطور که می دانید، از مدت ها قبل از برگزاری انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری کشورمان در سال ۱۳۸۸ تا کنون، یکی از موضوعاتی که پایه های اصلی بهانه های ابزارهای رسانه ای مختلف وابسته به دولت های غربی را در مسیر حمله به جمهوری اسلامی ایران تشکیل داده است.

به همین دلیل رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا نیز در طول تمامی این مدت در تلاش بوده است تا به هر شکل و بهانه ای، اندکی هم که شده، یاد این جریان فتنه را در ذهن مخاطبین خود زنده نگاه دارد تا همچنان بتواند از این موضوع بهره برداری های ضد ایرانی خود را داشته باشد.

در همین راستا، در این هفته نیز شاهد انتشار گزارشی توسط رادیو فردا در قالب این سوال که « آیا پرونده انتخابات ۸۸ بسته شده است؟ »، با اشاره به رأی دادن سران فتنه در انتخابات سال ۱۳۹۴ برگزار شده در کشورمان، افزایش مشارکت مردمی در انتخابات های اخیر را ناشی از حضور پیروان این جریان دروغین دانسته و آورده است: « هفت سال از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ می گذرد. منهای انتخابات مجلس ۱۳۹۰ که با قهر معنادار " سبز " های معترض به کودتای انتخاباتی ۸۸ برگزار شد، بخش مهمی از معترضان در دو انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و مجلس ۱۳۹۴ حضور یافتند. حتی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد، رهبران جنبش سبز از درون حصر خانگی در انتخابات اسفند ۹۴ اعلام مشارکت کردند. در این صورت آیا می توان ادعا کرد که پرونده انتخابات ۱۳۸۸ بسته شده است؟ ... به علل و دلایل پرشمار، بخش هایی از همراهان جنبش سبز دست از تعقیب مطالبات شسته اند، و از واقع بینی به واقع گرایی تام و از کنشگری به عمل زدگی دچار شده اند، و در عمل، پرونده ی انتخابات ۱۳۸۸ را برای خود مختومه کرده اند. بخشی از اینان سرخورده از سرکوب حاد و خشن کودتاچیان، و ناامید از تعقیب مطالبات با تکیه بر جنبش اجتماعی، به نوعی به تغییر ترکیب قوه مجریه و بعدتر مجلس، رضایت داده اند و کنشگری در متن جامعه مدنی را وانهادند. اما این وضع و توصیف شامل تمام سبزه ها نمی شود ... در درجه اول، همین که موسوی و کروبی و رهنورد بر خواسته های اساسی جنبش سبز و پرسش گری از انتخابات ۱۳۸۸ پامی فشارند، بخش مهمی از موضوع شفاف می شود ... نامه فروردین ماه کروبی به روحانی، برجسته ترین گواه بر این ارزیابی است؛ آنجا که کروبی از درون حبس خانگی و با وجود حصری که از پنج سال عبور کرده، خطاب به رییس جمهور می نویسد: " از حاکمیت مستبد بخواهید تا دادگاه علنی ام، مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، ولو با ترکیب مورد نظر ارباب قدرت را تشکیل دهد تا ادله خود مبنی بر تقلب انتخابات ریاست جمهوری ۸۴، مهندسی انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ و آنچه بر فرزندان این کشور در بازداشتگاه های قانونی و غیرقانونی گذشت را به اطلاع عموم برسانم. خروجی این دادگاه مشخص خواهد کرد که برگشته از انقلاب و نانجیب، و ادامه دهنده راه انقلاب و نجیب، کدامیک از طرفین دعوا و نزاع انتخابات ۸۸ قرار دارند. " ... کروبی در نامه ی تاریخی اش، از " نتایج مضحک انتخابات ۸۸ " می گوید که " هدفی جز نابودی جمهوریت و اسلامیت نظام نداشت. " ... او در مکتوب اش همچنین تصریح می کند که با علم به " هزینه سنگین " عدم سکوت در برابر " ارباب قدرت "، در کنار مردم مانده و خواهد ماند ... موضع کروبی تنها مهر تأکید جدیدی است بر ادعاهای پیشین درباره

انتخابات ۱۳۸۸ در فضای پس از ریاست جمهوری روحانی و دو انتخابات ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴؛ وگرنه سخن وی شاید همان تاکیدی باشد که در بهار ۱۳۹۱ از زهرا رهنورد نقل شد. رهنورد گفته بود: " ما به اینها [مأموران امنیتی] هم گفته ایم که بر همه حرف ها و باورهای قبلی خود ایستاده ایم. همه آن مسائل همچنان باقیست. حتی اگر ما را به این درخت توت [درختی که در منزل و محل حصر هست] دار بزیند و زیر همین درخت هم خاکمان کنید، چیزی تغییر نمی کند و نمی ترسیم؛ چون معتقدیم که حرف حق زده ایم و اگر جز این بود الان جای ما در زندان نبود و آزاد بودیم. " « ... »!

اما آیا این به آسمان و ریسمان چنگ زدن ها برای یادآوری فتنه و فتنه گران و زنده نگه داشتن یاد آن در ذهن مخاطبین، در تغییر واقعیت ها و ساختن یک مظلوم از ظالمی بی قید و شرط، اثرگذار خواهد بود؟!

آیا ملت ایران ان قدر سطحی نگر هستند که اجازه دهند رسانه ای مانند رادیو فردا که حتی اربابانش نیز اثرگذاری اش را باور ندارند و بارها خود با مسئولیت دادن به دیگر رسانه های وابسته به کشورهای دیگر مانند بی بی سی، این رسانه نما را تحقیر کرده اند، به گونه ای وانمود کند که حضور آن ها در صحنه ی انتخابات ناشی از حمایت از جریانی خیانت کار است؟!

مگر می توان همچنان اصرار داشت که انتخابات های برگزار شده در جمهوری اسلامی ایران تماماً مدیریت شده و مملو از تقلب هستند، اما باز هم ادعا کرد که از حضور در انتخابات حمایت کرده و طرفداران آن ها باعث افزایش مشارکت مردمی شده اند؟!

آیا غیر از این است که یا خود نیز پذیرفته اند که واقعیت جز ادعاهای آن هاست و دیگر دروغ هایشان رنگی ندارد و بایستی به شکست و دروغ گو بودن خود اعتراف کنند و یا در غیر این صورت، ادعاهای کنونی شان در خصوص حضور در انتخابات و تشویق طرفداران آن ها به مشارکت نیز در راستای گذشته، باز هم دروغی بیش نیست؟!

بایستی به این رادیوی صهیونیستی – آمریکایی یادآوری کرد که فتنه و سران فتنه در ذهن ملت ایران، نه اکنون و پس از هفت سال، بلکه در همان سال ۱۳۸۸ و در نهم دی ماه، با حضور میلیونی و بی بدیل ملت ایران، تمام شده اند و هیچ گاه نیز مرده ی آن ها زنده نخواهد شد.

بهره برداری ضد ایرانی رادیو فردا از نقش آفرینی سازمان همکاری اسلامی در جنایات آل سعود

جنایات چند وقت اخیر عربستان سعودی در منطقه که همگی با سکوت و بعضاً تأیید و حتی حمایت های سازمان همکاری اسلامی در حال وقوع است، به قدری با اهمیت هست که نشود به راحتی از کنارش عبور کرد؛ این حمایت های سازمان همکاری اسلامی از جنایات های آل سعود نه تنها به ان ها دامن می زند بلکه نام اسلام را نیز با خدشه روبرو می سازد و به همین دلیل نیز همواره با اعتراض های منطقی و قابل اثبات کشورمان همراه بوده است.

اما در این هفته شاهد انتشار گزارشی توسط رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا بوده ایم که تلاش کرده است تا با پرداختن به اعتراضات کشورمان در این خصوص، از موضوع نقش سازمان همکاری اسلامی در جنایات عربستان سعودی، برای القای قدرت بالای آل سعود و ضعف جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی خود استفاده نماید.

این رسانه نما در گزارشی که به این منظور منتشر کرده است با طرح سوالی مبنی بر این که « آیا سازمان همکاری اسلامی شعبه ای از وزارت خارجه سعودی است؟ »، نوشته است: « حسین جابری انصاری، سخنگوی وزارت خارجه ایران، در اظهاراتی تأمل برانگیز گفته است که " متأسفانه سازمان همکاری اسلامی به جزئی از وزارت خارجه سعودی تبدیل شده و مثل اداره ای از این وزارتخانه عمل می کند " ... چنین اظهار نظر صریحی از سوی یک مقام رسمی وزارت خارجه ایران اگر

درست باشد، هدفی جز نكوهش و مذمت سازمان همکاری اسلامی ندارد. افزون بر اینکه اگر این اظهارات در نكوهش سازمان همکاری اسلامی درست باشد، تلویحاً قوت و قدرت سیاست خارجی یک عضو (سعودی) از ۵۷ عضو سازمان را نشان می دهد که توانسته تنها کشوری باشد که چنان سازمان عریض و طویلی را که هر یک از اعضا از جمله ایران هزینه های هنگفتی بابت حق عضویت سالانه پرداخت می کنند، به اداره ای از ادارات خود تبدیل کند ... به بیان ساده، سخنگوی وزارت خارجه در حالی که قصد مذمت سازمان همکاری اسلامی را دارد، خواسته یا ناخواسته به مدح و ستایش عربستان سعودی پرداخته است ... پرسش مهم تر این که اگر ریاض توانسته چنین سیاست خارجی موفق را به کار بیند تا سازمان همکاری اسلامی را به " اداره ای از ادارات وزارت خارجه خود " تبدیل کند، چرا تهران (به عنوان یکی از اعضای مؤسس سازمان) نتوانسته چنین توفیقی حاصل کند که هیچ؛ در پاره ای از موارد، مورد توبیخ و انتقاد سازمان همکاری اسلامی نیز قرار گرفته است؟ ... به استناد موارد بالا اگر بخواهیم از زاویه سخنگوی وزارت خارجه ایران به موضوع بنگریم این مثال ها همه دلیل " خوب بازی " کردن عربستان است که هرگاه اراده کرده توانسته رأی مثبت سازمان همکاری اسلامی را در کنار خود داشته باشید. چنین نگاهی است که سخنگو را و می دارد تا در نكوهش سازمان همکاری اسلامی، دانسته یا ندانسته زبان به تحسین دیپلماسی عربستان بگشاید. اما، آیا واقعیت چنین است؟ ... این مقاله برخلاف سخنگوی وزارت خارجه معتقد است چنان دستاوردهایی که عربستان در سازمان همکاری به دست آورده نه لزوماً نتیجه بازی خوب ریاض بلکه محصول " بازی بد " تهران است ... چه انتظاری است وقتی اماکن دیپلماتیک در برابر پلیس به آتش کشیده می شود و حمله کنندگان مورد پیگرد قرار نمی گیرند، سازمان همکاری اسلامی آن را محکوم نکند؟ چه انتظاری است وقتی جهانیان از زبان دبیرکل سازمان ملل می شنوند که بشار اسد " خوی درندگی " دارد، آنگاه سازمان همکاری اسلامی به تعلیق سوریه رأی ندهد؟ چه انتظاری است که آن سازمان رأی به نفع دولت میزبان ندهد وقتی جمهوری اسلامی می خواهد حج سیاسی را در مکه برپا کند؟ ... در این تردیدی نیست که عربستان سعودی به عنوان عضوی از گروه ۲۰ (یعنی بیست اقتصاد برتر جهان) در پیشبرد اهداف خود برای جلوگیری از هژمونی ایران در منطقه پول های هنگفت نفتی را خرج می کند. اما، مگر تهران در پیشبرد اهداف خود پول به پای دیگران نمی ریزد؟ پس چرا عربستان باید موفق باشد و ایران نه؟ ... دست کم تهران با این پرسش مواجه است که چرا به عنوان رئیس کنونی جنبش عدم تعهد نمی تواند رأی این سازمان را در راستای منافع خود کسب کند؟ ... «!

این در حالیست که جنبش عدم تعهد با قاطعیت کامل، بارها و بارها در بیانیه های خود از حقوق قانونی و بر حق جمهوری اسلامی ایران از جمله حقوق استفاده ی صلح آمیز از انرژی هسته ای دفاع کرده اند و اعمال تحریم های یک جانبه ی غرب علیه کشورمان را محکوم کرده اند؛ از جمله حمایت قاطع این جنبش از کشورمان در روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه ۱۳۹۴، در جریان نشست ویژه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین که بر بسته شدن موضوعات باقیمانده گذشته و حال برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده اند.

این در حالیست که سازمان همکاری اسلامی، بر خلاف جنبش عدم تعهد، از اصول قانونی و بر حق دفاع نکرده، بلکه بر جنایات آل سعود مهر تأیید زده اند و با این تأیید خود، باعث آوارگی، جان باختن و جراحت های عمیق هزاران هزار نفر در منطقه شده اند.

حمایت های آشکار این سازمان از تجاوزات همه جانبه و وحشیانه ی آل سعود به خاک یمن، در حالی که تمامی قوانین بین المللی این موضوع را شدیداً رد می کنند، کاملاً نشان دهنده ی ارتباط آن ها با عربستان سعودی است.

آیا سازمانی که به واقع اسلامی بوده و در تصمیمات خود هیچ سیاسی کاری و جانبداری را دخیل نکرده باشند، می تواند چشمان خود را بر روی با خاک یکسان شدن یک کشور، قتل هام هزاران غیر نظامی با جنایات جنگی پر تعداد و ... ببندد و ان را تأیید کند؟! «!

هیاوسازی رادیو فردا از درگیری دو میهمان

رسانه ی فارسی زبان دولت آمریکا همواره در تلاش بوده است تا از هر موضوعی برای حاشیه سازی و فضا سازی علیه وضعیت داخلی کشورمان نهایت بهره برداری را داشته است؛ به همین منظور در پی وقوع یک درگیری شخصی میان دو نفر از میهمانان یکی از برنامه های صدا و سیمای کشورمان، رادیو فردا به سرعت وارد عمل شده و با هیاوسازی و بزرگنمایی خاص، سعی کرده است تا در خصوص این درگیری حاشیه سازی کرده و از اب گل آلود به نفع خود ماهی بگیرد.

این رسانه ی صهیونیستی - آمریکا با تلاش برای دخیل کردن نیروی انتظامی کشورمان در درگیری این دو میهمان برنامه ی " خندوانه " در گزارشی این گونه آورده است: « خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه ایران، اخبار منتشر شده در شبکه های مجازی مبنی بر استفاده از گاز اشک آور در برنامه تلویزیونی " خندوانه " را تایید کرد. یکی از دست اندرکاران برنامه خندوانه درگیری میان دو شرکت کننده در این برنامه و استفاده از گاز اشک آور را تایید کرد. وی گفته است: هنگام ضبط برنامه دو نفر از شرکت کنندگان حاضر در استودیو برنامه خندوانه با هم درگیر شدند و یکی از آنها به استفاده از گاز اشک آور متوسل شد ... هنوز وابستگی تشکیلاتی یا ارگانی فردی که پرتابگر گاز اشک آور بوده و نیز نحوه ورود آن به داخل استودیوی برنامه خندوانه مشخص نیست ... با این حال اخبار تایید نشده ای از انتساب وی به نیروهای نظامی مطرح شده است ...! »

جالب این جاست که علاوه بر این که عوامل برنامه " خندوانه "، به صراحت درگیری دو نفر را به لایل شخصی دانسته و آن را عامل این موضوع دانسته اند، رادیو فردا حتی منابع همین اخبار به قول خودش تأیید نشده را هم برای مخاطبین خود بازگو نمی کند.

جالب است که " رامبد جوان "، کارگردان و مجری این برنامه در اظهاراتی تأکید کرده است: « یکی از تماشاچیان برنامه خندوانه در پشت صحنه ی از اسپری گاز اشک آور استفاده کرده است. به گفته وی روزی ۴۰۰ تا ۵۰۰ تماشاگر به استودیو خندوانه می آیند. استودیو خندوانه هم منطقه نظامی نیست که ما آن ها را بگردیم. زمان افطار، طبق روال این ایام اعلام کردیم که مهمانان ما روزه هایشان را باز کنند. یک مخزن بزرگ آب جوش هم برای این منظور تهیه کرده ایم. دیروز از قضا آب جوش تمام شده بود و بچه ها دوباره آب گرم داخل مخزن ریختند، اما برای اینکه کمی قل بخورد و جوش بیاید، سه دقیقه وقت لازم بود. در این حین آقایی می آید و می گوید آب جوش را به من بدهید؛ چون همسرم باردار است، یکی دیگر از مهمانان هم مخالفت می کند و می گوید نمی شود. در نهایت این دو نفر با هم بحثشان می شود و وسط درگیری آب جوش می ریزد روی یکی از آن ها، آن آقا هم از کیف دور کمرش اسپری اشک آور در می آورد و روی صورت آن یکی خالی می کند. »

بعلاوه در حالی که به راحتی می توان در برخی خیابان های خاص تهران از ببر بنگال و شیر و یوز در حال انقراض ایرانی تا نایاب ترین و گرانقیمت ترین داروهای دنیا را به صورت قاچاق تهیه کرد، آیا پیدا کردن یک اسپری گاز اشک آور اینقدر مشکل خواهد بود که دارنده آن را قطعاً یک نظامی بدانیم؟!!!

البته آنچه مسلم است اینکه نیروی نظامی آنقدر موفق و خوب عمل کرده که عمال آمریکا و انگلیس و اسرائیل را اینچنین دچار سوزش درونی کرده که همه اتفاقات کشور، از حمله یک سال و نیم پیش به علی مطهری تا بر هم زدن سخنرانی لاریجانی و شعار دهندگان سخنرانی روحانی را به نیروی نظامی نسبت می دهند تا شاید خنکایی باشد برای التیام داغهایی که نیروی نظامی و انتظامی این روزها در عراق و سوریه و لبنان بر قلب دشمنانش زده است.

اینکه رادیو فردا رسانه رسمی سیا و دشمن قسم خورده نظام و نظامیان است و از هر فرصتی برای ضربه زدن و کوبیدن آن سوء استفاده می کند، شکی نیست. که همانا "نیش عقرب نه از ره کین است اقتضای طبیعتش این است". ولی آیا نباید حداقل به مخاطب فریب خورده خودش رحم کند و هر خبر تأیید نشده و دروغ و ناموثقی را به خوردش ندهد؟ مگر مخاطب رادیو فردا کیست که می توان اینگونه او را بازی داد و اخبار تأیید نشده (بخوانید اخبار تأیید شده سازمان سیا) را به او تحمیل کرد و در مغزش چپاند که کل نظام و نظامیان و اسلام و مسلمانی همه مطرودند و غیر قابل تحمل. اصلاً نیازی هم نیست که شما تحقیق

کنید یا منبع موثق بخواهید. مهم آن است که ما می‌گوییم نه حتی شاهد عینی که در بطن ماجرا بوده. شما هم چشم و گوش بسته هر آنچه ما از هزاران فرسنگ آن طرف دریا می‌گوییم را باید گوش کرده و تأیید کنید.

ارزش بالای جان صهیونیست‌ها در نگاه رادیو فردا

بخش پایانی این شماره از مجله ی هفتگی رادیو دیروز را به بررسی کوتاه واکنش خاص رادیو فردا به خبر کشته شدن چهار صهیونیست اختصاص داده ایم؛ جایی که این رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی در حالی به بزرگنمایی این خبر می‌پردازد که گویی ارزش جان این چهار اسرائیلی به مرتب بیشتر از جان هزاران فلسطینی است که توسط این اشغالگران به شهادت رسیده و می‌رسند.

رادیوی فارسی زبان کاخ سفید در این گزارش با تأکید بر محکومیت جهانی حادثه ای که به مرگ این چهار صهیونیست انجامیده است، می‌آورد: « حمله تروریستی به یک مجتمع خرید در تل‌آویو که چهار کشته و پنج زخمی بر جای گذاشت، با محکومیت بین‌المللی مواجه شده است. ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه، سازمان ملل متحد و حتی رییس تشکیلات خودگردان فلسطینی حمله تروریستی شامگاه چهارشنبه ۱۹ خرداد در تل‌آویو را محکوم کرده اند ... به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزارت امور خارجه آمریکا با محکوم کردن " حمله تروریستی وحشتناک " در اسرائیل، اعلام کرده که " این قبیل حملات بزدلانه علیه شهروندان بی‌گناه قابل توجیه نیست " ... نیکولای ملادنوف، هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد در روند صلح خاورمیانه هم خواستار آن شده تا " همگان خشونت را رد کرده و به ترور نه بگویند ". آقای ملادنوف همچنین با انتقاد از گروه اسلامگرا و فلسطینی حماس گفته است: " از مشاهده اینکه حماس از این حادثه استقبال کرده، شوکه شده ام. رهبران باید در برابر خشونت بایستند نه اینکه آن را تحریک کنند و در برابرش اغماض به خرج دهند ". گروه حماس که بر نوار غزه حکمرانی می‌کند، اگرچه مسئولیت حمله چهارشنبه شب را بر عهده نگرفته اما از آن به عنوان یک " عملیات قهرمانانه " تقدیر کرده است ... بنیامین نتانیا، نخست وزیر اسرائیل، این حمله را به شدت محکوم کرده و گفته که دولتش در برابر اقدامات تروریستی ایستادگی می‌کند. تدابیر امنیتی نیز در شهر محل سکونت دو مهاجم و نیز کرانه باختری تشدید شده است ... »!

جالب این جاست که بر اساس گزارش رادیو فردا، همان طور که مشاهده کردید، بنیامین نتانیا، این تروریست بزرگ نیز از ترور خودش نمی‌آید، همان شخصی که رسماً داعش را حمایت و تجهیز می‌کند!

رادیو فردا اصلاً ناشی تر از این حرفهاست که بفهمد حتی ایرانی‌های متمایل به آمریکا هم اسرائیل را رژیم جعلی و غاصب و تروریست می‌دانند و نخست وزیر آن به طریق اولی جانی بالفطره و تمام عیار است، حال با چه توجیهی ابراز دلواپسی نتانیا و یاهو از تروریسم بخشی از خبر رادیو فردا می‌شود امری مضحک است.

اما باید از این رادیوی مدعی حقوق بشر پرسید روزانه ده‌ها و بلکه صدها افغان و سوری و عراقی و یا پاکستانی که با هواپیماهای بدون سرنشین و یا سرنشین‌های بدون هواپیما که بدون هیچ محاکمه‌ای در دادگاه‌های صالحه و یا ناصالح به کام مرگ کشانده می‌شوند انسان نیستند و جای شیون و زاری ندارند؟ یا اینکه انسانهای کشورهای جهان سوم باید کشته شوند تا رادیو فردا شام شبش جور شود؟

به راستی ۴ یهودی صهیونیست از ۴۰۰ مسلمان مهم‌ترند که هیچگاه برای آنها کسی محکومیتی صادر نکند و رادیو فرداها از آنها گزارش‌های تیترویک و مهم تهیه نکرده است!!!

آنچه در بالا خوانده‌اید، صد و چهارمین شماره از مجله ی هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان " رادیو فردا در هفته ای که گذشت! " منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی در سومین هفته از خرداد ماه ۱۳۹۵ (۱۶ الی ۲۳ خرداد ماه ۱۳۹۵) پرداخته است.